



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰
مصادف با: ۲۷ جمادی الاول ۱۴۳۲
جلسه: ۲۷

موضوع کلی: امکان تفسیر قرآن
موضوع جزئی: بررسی قول به عدم تفسیر قرآن رأساً

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

امکان تفسیر قرآن:

بحث ما رسید به امکان تفسیر، این بحث مستقلاً مورد بررسی قرار نگرفته و کمتر به آن پرداخته شده، بحث از امکان تفسیر در دو بخش مطرح می‌شود:

- (۱) بحث از امکان تفسیر قرآن رأساً.
- (۲) بحث از امکان تفسیر در مورد بخشی از آیات قرآن.

دلیل قائلین به عدم امکان تفسیر قرآن رأساً:

دلیلی که بر عدم امکان تفسیر قرآن به نحو کلی ارائه شده این است که معارف قرآن بسیار بلند و رفیع است و به جهت اشتغال بر این معانی بلند که به واسطه شأن بالای پدید آورنده این کتاب است درک آن از عهده عموم مردم خارج است و تنها کسانی می‌توانند معانی قرآن را درک کنند که به عنوان راسخون فی العلم شناخته شده‌اند که عبارتند از: پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، پس عمده محور استدلال این قول بر رفعت معارف و عمق معانی کتاب خداست و اینکه این معانی عمیق و رفیع را فقط کسانی که با صاحب این کتاب و پدید آورنده این کتاب انس و الفت خاص دارند درک می‌کنند بنابراین سایر مردم توانایی درک این مفاهیم و معانی عمیق را ندارند لذا نمی‌توانند آیات را تفسیر و معانی آیات را واضح و آشکار بکنند چون آشکار کردن معنای یک لفظ و عبارت کلام فرع بر این است که آن کلام و معانی و مفاهیم برای خود مفسر درک شده باشد تا بتواند برای دیگران تبیین بکند وقتی درک این معانی توسط مردم عادی امکان ندارد بنابراین چگونه می‌خواهند مراد و مقصود و معانی آیات را برای دیگران بیان بکنند بعد تنظیر می‌کنند به کتب مهم و برجسته‌ای که متعلق به افراد صاحب علم و فن و اشخاص برجسته می‌باشند و می‌گویند مثلاً شما کتاب‌های مهم نوشته شده در این دنیا مثل کتب ابن سینا یا ملاصدرا را بنگرید و ملاحظه کنید که این کتاب‌ها را همه نمی‌فهمند و فقط کسانی می‌فهمند که یا شاگرد این افراد بوده‌اند و یا انس جدی با آراء و دیدگاه‌های صاحبان این کتب داشته‌اند پس تفسیر قرآن هم برای عامه مردم امکان ندارد این عمده بیان این عده است و بر این اساس خواسته‌اند بگویند اصلاً امکان تفسیر قرآن نیست این بیان را که ما توضیح دادیم مرحوم آقای آخوند در کفایه نقل کرده‌اند.^۱

۱. کفایه، طبع مؤسسه آل‌البیت، ص ۲۸۲.

اشکال:

اولاً: قرآن کتابی است که برای هدایت عامه مردم نازل شده و به عنوان معجزه جاودانه پیامبر اکرم الی یوم القیامه می‌خواهد برنامه زندگی مردم را بیان بکند و مردم را به سوی سعادت راهنمایی بکند حال اگر امکان تفسیر چنین کتابی نباشد به این معنا که امکان کشف معانی آیات و آشکار شدن مقصود و مراد گوینده آن نباشد چگونه می‌خواهد مردم را به سوی سعادت راهنما باشد و برنامه زندگی انسان را بیان بکند ممکن است بگویید همین قدر که این کتاب با این عبارات نازل شده همین معانی که از ترجمه ظاهری آیات قرآن فهمیده می‌شود کافی است که در جواب می‌گوییم قطعاً صرف ترجمه آیات و معنای متفاهم ابتدایی از این آیات نمی‌تواند سعادت انسان را تضمین کند چون خیلی از موارد هست که ابهام دارد که باید آن ابهامات برطرف شود و شأن نزول آنها بیان شود و همچنین در مورد عام و خاص آن صحبت شود حال کسی و به معنای متفاهم ابتدایی از آیات اکتفاء بکند ممکن است در جایی فقط عام را ببیند و اصلاً به خاص قرآن توجه نکند یا فقط ناسخ را ببیند و به منسوخ توجه نداشته باشد که قطعاً برنامه جامع زندگی انسان‌ها با صرف یک فهم ابتدایی از آیات قرآن به دست نمی‌آید و حتماً محتاج به تفسیر مراد گوینده در بسیاری از موارد است کما اینکه در قوانین عادی این تفسیرها ضرورت دارد و در قرآن هم به عنوان یک قانون جامع زندگی تفسیر آیات ضرورت دارد لذا اگر تفسیر آیات قرآن امکان نداشته باشد نقض غرض خواهد شد.

سؤال: درست است که ما امکان تفسیر نداریم ولی راسخون فی العلم امکان تفسیر دارند و آنها آیات قرآن را تفسیر می‌کنند و به ما هم می‌گویند و لذا برنامه جامع زندگی و سعادت انسان به وسیله راسخون فی العلم برای ما بیان می‌شود پس هیچ نقض غرضی صورت نگرفته است.

استاد: در بسیاری از موارد از ابتدا تا انتهای قرآن این تفسیرها صورت نگرفته و آنچه از تفاسیر آیات که از معصومین (ع) به دست ما رسیده کافی نیست و صرف تفسیر روایی و منقولات از ائمه (ع) ذیل بعضی از آیات برای راهنمایی انسان به سوی سعادت کفایت نمی‌کند چون مجموع آیات قرآنی در سعادت انسان‌ها دخیل هستند و اطلاع بر تفاسیر بعضی از آیات کافی نیست بله اگر مصحف امیرالمؤمنین (ع) که شامل شأن نزول آیات، تفسیر و تأویل‌هایی که پیامبر (ص) به امیرالمؤمنین (ع) تعلیم داده بودند و قرائت صحیح بود به دست ما می‌رسید نیازی به تفسیر قرآن نبود ولی آن مصحف به دست ما نرسیده است پس با توجه به اینکه ما نیازمند به برنامه جامع زندگی هستیم و تفسیر تمام آیات هم توسط ائمه به ما نرسیده ما نمی‌توانیم به همان اندازه که تفسیر آیات از ائمه معصومین به دست ما رسیده اکتفاء بکنیم (کما اینکه اخباریون گفته‌اند به همان مقدار اکتفا می‌کنیم) چون صرف اطلاع بر تفسیر بعضی از آیات قرآن نقض غرض است و نمی‌تواند راهنمای سعادت انسان‌ها و برنامه جامعی برای زندگی انسان باشد.

ثانیاً: در خود قرآن همه مردم مورد خطاب قرار گرفته‌اند و از آنها خواسته شده که در قرآن تدبر کنند و تدبر در قرآن به منظور کشف معانی و روشن شدن مقاصد آیات است، اگر تفسیر قرآن امکان نداشت امر به تدبر هم لغو بود چون تفسیر قرآن

می‌تواند به عنوان نتیجه یک تدبر صحیح باشد پس اینکه خداوند امر به تدبر می‌کند دال بر این است که تفسیر آیات قرآن امکان دارد و اگر منظور معانی ابتدایی الفاظ قرآن بود که نیازی به تدبر نداشت چون تدبر برای پی بردن به مقاصد و مراد گوینده و شناخت کلام متکلم است در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده: «لاخیر فی قرآن لیس فیها تدبر» که دلالت می‌کند خواندن معمولی قرآن فایده‌ای ندارد بلکه آن خواندنی مفید است که همراه با تدبر باشد، هدف قرآن تحول انسانها است و این تحول با تدبر حاصل می‌شود و تدبر هم جز کشف معانی و مقاصد چیز دیگری نیست پس امر به تدبر در آیات قرآن دال بر این است که تفسیر آیات قرآن امکان دارد.

ثالثاً: فهم همه معارف و معانی قرآنی و احاطه به بطون قرآن غیر از تفسیر است چون تفسیر به معنای تبیین معانی آیات است آنچه که این دلیل اقتضاء می‌کند این است که فهم همه معانی و معارف قرآنی و پی بردن به بطون قرآن برای عامه مردم امکان ندارد و مختص به پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است اما این از بحث ما خارج است چون بحث ما در امکان تفسیر است نه کشف همه معارف و رمز و رازهای قرآن و همه بطون قرآن و ما هم قبول داریم که کشف همه معارف قرآنی از عهده عامه مردم و حتی خواص مردم خارج است و فقط راسخون فی العلم امکان کشف همه معارف و معانی قرآنی را دارند پس دلیلی که بر عدم امکان تفسیر قرآن ارائه شده ربطی به ما نحن فیہ ندارد و فوقش عدم امکان تأویل قرآن را ثابت می‌کند که فقط راسخون فی العلم می‌توانند قرآن را تأویل کنند و گرنه تفسیر قرآن برای غیر راسخون فی العلم هم امکان دارد.

رابعاً: وقتی گفته می‌شود تفسیر ممکن است منظور این نیست که همه مردم توانایی تفسیر آیات قرآن را دارند بکله منظور این است که تفسیر بعد از طی مقدمات و تحصیل علوم مقدماتی تفسیر و ابزاری که برای تفسیر لازم است امکان دارد پس موضوع بحث این نیست که هر کسی بتواند قرآن را تفسیر بکند بلکه منظور این است که کسی می‌تواند قرآن را تفسیر بکند که به علوم مقدماتی تفسیر آشنا باشد و ابزاری که برای تفسیر لازم است را در اختیار داشته باشد لذا نباید این دو مسئله با هم خلط شود و ما هم قبول داریم کسانی که تخصص ندارند و اهل فن محسوب نمی‌شوند مجاز به تفسیر آیات قرآن نیستند ولی اینکه عده‌ای از مردم یا اکثر مردم اجازه تفسیر قرآن را ندارند به این معنا نیست که امکان تفسیر وجود ندارد پس ما می‌گوییم تفسیر برای کسانی که با علوم مقدماتی تفسیر آشنا هستند و اهل فن هستند امکان دارد لذا در مجموع به نظر می‌رسد که امکان تفسیر آیات قرآن به نحو کلی امری قطعی و مسلم است و استدلال کسانی که می‌گویند امکان تفسیر آیات قرآن رأساً وجود ندارد باطل است.

بحث جلسه آینده: ادعای عدم امکان تفسیر بخش اعظم آیات قرآن و دلیلی که بر این ادعا ارائه شده را در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»